

# Akhlāq-i zīstī

## i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e47

The Bioethics and Health  
Law InstituteMedical Ethics and Law  
Research CenterInternational Association  
of Islamic Bioethics

## Ensuring Global Coexistence (the Right to a Healthy Environment) in the Context of Green International Criminal Policy

Amin Hajivand<sup>1</sup>, Seyed Hossein Hosseini<sup>1\*</sup>, Abdolreza Javan Jafari<sup>1</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The commission of anti-green crimes by natural or legal persons is increasing and endangers global coexistence (the right to a healthy environment), so that the United Nations has acted as an international actor and by approving binding documents has expressed his concern in this regard. In the current research, environmental discriminatory criminal policy is investigated from the perspective of the United Nations and its localization in Iranian law.

**Methods:** The research is applied in terms of type and purpose and descriptive in terms of nature and method and information was collected through document review and data collection.

**Ethical Considerations:** Scientific honesty and trustworthiness have been observed in all stages of writing the research.

**Results:** The proposed strategies are clearly visible at two levels, supra-legislative and legislative. These strategies have been proposed in some domestic laws as well as in some international documents by the activists of the international community and by localizing them, a valuable step can be taken towards an efficient criminal policy.

**Conclusion:** Preventive policies against environmental crimes can be seen in the form of individual-oriented and situation-oriented preventive policies. Regarding the substantive criminal strategy, we can refer to the green differential criminalization strategy. In the field of formal criminal law, strategies can be identified and introduced. Of course, green restorative strategies can also be mentioned in environmental criminal policy.

**Keywords:** Differentiation; Global Coexistence; Green Criminal Policy; Environment; United Nations; Iranian Law

**Corresponding Author:** Seyed Hossein Hosseini; **Email:** shosseini@um.ac.ir

**Received:** December 31, 2023; **Accepted:** January 26, 2024; **Published Online:** March 14, 2024

### Please cite this article as:

Hajivand A, Hosseini SH, Javan Jafari A. Ensuring Global Coexistence (the Right to a Healthy Environment) in the Context of Green International Criminal Policy. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e47.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی / مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی / انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

## مجله اخلاق زیستی

دوره سیزدهم، شماره سی‌وهشتم، ۱۴۰۲

## تضمین هم‌زیستی جهانی (حق بر محیط زیست سالم) در بستر سیاست جنایی ترکیبی سبز

امین حاجی‌وند<sup>۱</sup>، سیدحسین حسینی<sup>۱\*</sup>، عبدالرضا جوان جعفری<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** ارتکاب بزه‌های ضد سبز از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی رو به افزایش است و هم‌زیستی جهانی (حق بر محیط زیست سالم) را به خطر انداخته، به گونه‌ای که سازمان ملل متحد به عنوان یک کنشگر بین‌المللی وارد عمل شده و با تصویب اسنادی الزام‌آور یا ارشادی، نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشته است. در پژوهش حاضر به بررسی سیاست جنایی افتراقی زیست‌محیطی از منظر سازمان ملل متحد و بومی‌سازی آن در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

**روش:** پژوهش از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی اسناد و فیش‌برداری بوده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش صداقت و امانتداری علمی رعایت شده است.

**یافته‌ها:** راهبردهای مطرح‌شده در دو سطح فرائقینی و تقنینی به وضوح قابل مشاهده است. این راهبردها در برخی از قوانین داخلی و نیز در پاره‌ای از اسناد بین‌المللی از سوی کنشگران جامعه بین‌المللی مطرح گردیده و می‌توان با بومی‌کردن آن‌ها گامی ارزنده به سوی سیاست جنایی کارآمد برداشت.

**نتیجه‌گیری:** سیاست‌های پیشگیرانه در قبال جرائم زیست‌محیطی را می‌توان در قالب سیاست‌های پیشگیرانه فردمدار و موقعیت‌مدار مشاهده نمود. در خصوص راهبرد کیفری ماهوی می‌توان به راهبرد بزه‌انگاری افتراقی سبز اشاره کرد. در حوزه حقوق کیفری شکلی نیز راهبردهایی قابل شناسایی و معرفی است، البته راهبردهای ترمیمی سبز در سیاست جنایی زیست‌محیطی نیز قابل ذکر است.

**واژگان کلیدی:** افتراقی‌سازی؛ هم‌زیستی جهانی؛ سیاست جنایی سبز؛ محیط زیست؛ سازمان ملل متحد؛ حقوق ایران

نویسنده مسئول: سیدحسین حسینی؛ پست الکترونیک: [shosseini@um.ac.ir](mailto:shosseini@um.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hajivand A, Hosseini SH, Javan Jafari A. Ensuring Global Coexistence (the Right to a Healthy Environment) in the Context of Green International Criminal Policy. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e47.

## مقدمه

توسعه صنعتی و رشد اقتصادی چشم‌گیر در دهه‌های اخیر و رقابت روزافزون کشورها در حوزه‌های تجاری، صنعتی و اقتصادی، اگرچه منجر به بهبود سطح زندگی بشر و گسترش رفاه اجتماعی شده، ولی نابودی و ویرانی شدید و گسترده محیط زیست را به همراه داشته است. سیاست‌های توسعه اقتصادی و صنعتی دولت‌ها و شرکت‌های تجاری که بدون ارزیابی و ملاحظه مسائل زیست‌محیطی اتخاذ شده، منجر به تحمیل خسارات گسترده، شدید و پایدار بر محیط زیست شده و اگرچه بخشی از این خسارات ناخواسته به وجود آمده‌اند، ولی بخش عمده‌ای از روی آگاهی و به صورت عمدی ایجاد شده است. به این معنا که مرتکبان از همان ابتدا به پیامدهای زیانبار زیست‌محیطی رفتارهای خود آگاه بوده‌اند، ولی به علل مختلف، تأمین منافع کوتاه‌مدت و فردی خود را بر منافع بلندمدت و جمعی بشری ترجیح داده‌اند که حاصل آن چیزی جز نابودی محیط زیست در برخی از مناطق نبوده است.

مداخله یا پشتیبانی دولت‌ها و یا شخصیت متنفذ و موقعیت بالای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتکبان همواره مانع از آن بوده که برخورد مناسبی با آن‌ها صورت گیرد، به ویژه که گاه مرتکبین خود دولت‌ها بوده‌اند که خود را پشت نظریه‌هایی مانند «اصل عمل حاکم»، «حاکمیت دولت‌ها»، «اعمال حاکمیتی» و «اصل مصونیت» پنهان ساخته و به نام مصالح اجتماعی و منافع ملی، آسیب‌های شدید و جبران‌ناپذیری را به محیط زیست وارد ساخته‌اند؛ آسیب‌هایی که هیچ‌گاه وصف و عنوان «مجرمانه» به خود نگرفته و به عنوان رفتاری «مباح» و گاه «ضروری» (با توجیه‌های سیاسی، نظامی یا اقتصادی) تلقی و حتی به شدت از آن‌ها دفاع شده است (۱). در واقع تصور بر این بوده که محیط زیست و هر آنچه بر روی آن قرار دارد، به طور مطلق در اختیار انسان قرار داشته و برای رفاه بشر آفریده شده است و بشر می‌تواند هرگونه که بخواهد از آن‌ها بهره‌برداری کند و در این میان، هیچ محدودیت و قیدی ندارد (رویکرد انسان‌مدار به محیط زیست) (۲)، اما از دیدگاه جرم‌شناسی سبز رادیکال، با بررسی عدالت زیست‌محیطی به

این نتیجه می‌توان دست یافت که «بر اساس تفکر بوم‌شناختی، انسان موجودی برتر از سایر آفریده‌ها نیست که دست به اقدامات ویرانگر بزند» (۳)، البته امروزه، جرم‌شناسان عصر جدید را عصر «جنایات اقلیمی» نامیده‌اند (۴) که نمایانگر تسلط کامل بشر بر محیط زیست است. از دیدگاه مایکل لینچ (Michael Lynch) که در سال ۱۹۹۰ برای نخستین‌بار اصطلاح جرم‌شناسی سبز را به کار برد، لزوم افتراقی‌سازی و توجه مضاعف به جرائم سبز استنباط می‌شود. وی مطالعه قوانین و معاهدات طراحی‌شده را برای توسعه اقدامات مفید زیست‌محیطی در برابر جرائم سبز، توصیه می‌کند (۵). اولریش بک (Ulrich Beck) آلمانی‌تبار نیز که نظریه‌پرداز «جامعه مخاطره‌آمیز» است، در اولین کتاب خود به نام «جامعه مخاطره‌آمیز» پندارهایی را درباره جامعه و مخاطره مطرح نموده و به بررسی مسائل محیط زیست علاقه خاصی نشان داده است. از نظر وی جامعه مخاطره‌آمیز جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی متوجه شده است. وی یکی از جنبه‌های جامعه مخاطره‌آمیز را در این می‌داند که خطرات آن محدودیت زمانی و مکانی ندارد و به عبارت دیگر فراملی است (۶). در پژوهش حاضر به بررسی سیاست جنایی افتراقی زیست‌محیطی از منظر سازمان ملل متحد و بومی‌سازی آن در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

## روش

این پژوهش از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی اسناد و فیش‌برداری صورت گرفته است.

## یافته‌ها

در راستای افتراقی‌شدن، در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ خورشیدی) در همایشی با عنوان «مطالعه مسائل و دورنمای راهبرد افتراقی‌شدن حقوق کیفری و سیاست جنایی» افتراقی‌شدن در حوزه حقوق کیفری ماهوی و شکلی مطرح و بیان شد که عصر

برخورد یکسان و نگاه واحد به بزه‌کاری به سر آمده است و نمی‌توان با مجموعه بزه‌کاران به یک شکل برخورد کرد (۷). کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (نهاد هماهنگ‌کننده هم‌زیستی جهانی و تضمین‌گر حقوق بشر) در سال‌های اخیر به مقوله ملاحظات افتراقی زیست‌محیطی توجه جدی داشته است (۸). در خصوص افتراقی‌سازی سیاست جنایی زیست‌محیطی، معیارهای سه‌گانه‌ای را می‌توان مطرح نمود: گاهی خصیصه‌های جرم، گاهی خصیصه‌های مرتکب و گاهی خصیصه‌های بزه‌دیده می‌تواند ملاکی برای افتراقی‌سازی باشد. در خصوص جرائم ضد سبز که خود شامل دو دسته جرائم زیست محیطی و تروریسم زیست‌محیطی هستند، می‌توان هم از خصیصه‌های جرم‌شناختی جرائم سبز و هم از خصیصه‌های جرم‌شناختی مرتکبان جرائم سبز به ضرورت افتراقی‌سازی پی برد. راهبردهای افتراقی‌سازی در برخی قوانین داخلی و پاره‌ای اسناد بین‌المللی از سوی کنشگران جامعه بین‌المللی مطرح گردیده و می‌توان با بومی‌کردن این راهبردها گامی ارزنده به سوی سیاست جنایی کارآمد برداشت. برای معرفی این راهبردها ابتدا به شناخت مفاهیم بنیادین پژوهش پرداخته و سپس شناسایی و تحلیل راهبردهای افتراقی سیاست جنایی زیست‌محیطی را مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

## بحث

۱. **ظرفیت‌های جنایی جهانی‌شده بزه‌های ضد سبز:** عبارت «بزه ضد سبز» در مقابل تعبیری است که برخی از نویسندگان از آن تحت عنوان «بزه‌کاری سبز» یا «بزه سبز» یاد کرده‌اند (۹). «بزه ضد سبز» که برای نخستین بار در این پژوهش به کار گرفته می‌شود، بزه‌ی است بر ضد سبز یا همان ضد محیط زیست و توسعه پایدار و نمی‌تواند عنوان صرف «سبز» به خود بگیرد. شاید استفاده صرف واژه سبز در تألیفات نویسندگان علوم جنایی، الهام‌گرفته از بحث رنگ‌بندی‌شدن علوم جنایی است. امروزه شاهد رنگ‌بندی‌شدن تألیفات علوم جنایی هستیم. به عنوان مثال «جرم‌شناسی

سبز» به عنوان رویکردی نوین در اوایل دهه ۱۹۹۰ از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان اغلب انتقادی آمریکا ظهور پیدا کرد. این جرم‌شناسان معتقد هستند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست‌محیطی با شکست مواجه شده است. از این رو ما نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و نگاهی سبز در علت‌شناسی آسیب‌های زیست‌محیطی هستیم (۲)، اما به نظر می‌رسد اطلاق اصطلاح سبز به بزه زیست‌محیطی اقدام درستی نیست، چراکه جرم‌شناسی سبز به معنای جرم‌شناسی انتقادی نوظهوری است که در علت‌شناسی بزه زیست‌محیطی دیدگاه‌های جدیدی را نسبت به جرم‌شناسی سنتی مطرح می‌کند. بنابراین بزه ضد سبز بزه‌ی ضد محیط زیست و توسعه پایدار است.

امروزه در جرم‌شناسی سبز که یکی از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است و از منظر علم جرم‌شناسی به بزه‌کاری علیه محیط زیست می‌پردازد، این عقیده شکل گرفته که باید بزه‌کاران زیست‌محیطی را بزه‌کاران یقه‌سبز نامید. این دسته از مجرمین با اعمال نفوذ در نظام حکومتی، به پاره‌ای اقدامات سودجویانه غیر مجاز مبادرت می‌ورزند که زندگی همه مردم را به اشکال مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ صنعتی و تجاری بزرگ‌ترین آلوده‌کنندگان محیط زیست به شمار می‌روند، زیرا فضولات خود را برای فرار از هزینه‌های گزاف در هوا و دریا و خشکی رها می‌کنند. یکی از مصادیق بارز مجرمین یقه‌سبز، زمین‌خواران هستند که از نفوذ و روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوءاستفاده نموده و هم به لحاظ زیست‌محیطی و هم به لحاظ اقتصادی آسیب‌های جدی را به جامعه وارد می‌نمایند.

از سوی دیگر، خطرناکی بزه‌های ضد سبز ظرفیت‌های جنایی جهانی‌شده زیست‌محیطی را افزایش داده است. موضوع خطرناکی جرائم زیست‌محیطی امروزه مورد توجه جرم‌شناسان واقع شده است، البته در خصوص جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته بر وجود این ویژگی تأکید می‌شود. این بحث که امروزه در مورد بزه‌کاران اقتصادی نیز صدق می‌کند در حوزه جرائم زیست‌محیطی بیشتر به چشم می‌خورد، چراکه مجرمان

زیست‌محیطی که با هدف کسب سود و منافع بیشتر در جهت آلودگی و تخریب محیط زیست اقدام می‌کنند، از حالت خطرناکی بیشتری برخوردارند.

خطرناکی یا حالت خطرناک آن‌گونه که در جرم‌شناسی تحقیقی مطرح است، لزوماً جنبه بالینی ندارد. بزه‌کاران خطرناک بیمار و آسیب‌دیده نیستند، بلکه به نوعی از نظر اجتماعی مسئول عمل خود انگاشته می‌شوند و باید آنان را با هدف تأمین امنیت جامعه، تحت کنترل و نظارت قرار داد (۱۰). ارتکاب جرم به صورت سازمان‌یافته، خطر رفتارهای آنان را افزایش می‌دهد، زیرا افزون بر شدت صدمات ناشی از آن، تصمیم مشترک بر ارتکاب جرم، احتمال ارتکاب عملی آن را بیشتر می‌کند. امروزه با ظهور اشکال نوین بزه‌کاری مانند جرائم سازمان‌یافته، دولت‌ها با دسته‌جدیدی از جرائم و مجرمان مواجه شده‌اند که کنترل و مبارزه با آن‌ها در مقایسه با جرائم سنتی چندان آسان نیست. مرتکبان جرائم سازمان‌یافته شیوه خطرناکی برای انجام بزه برگزیده‌اند. یکی از نمودهای بارز این دسته از جرائم، جرائم زیست‌محیطی است، البته لازم به ذکر است که سازمان‌یافتگی طریق و شیوه‌ای برای ارتکاب جرم است. جرائم زیست‌محیطی لزوماً سازمان‌یافته نیستند، اما در بسیاری از موارد کلان، به صورت سازمان‌یافته ارتکاب پیدا می‌کنند. آنچه که باعث می‌شود جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته خطرناک تلقی شوند، تفاوت آن‌ها با مجرمان جرائم غیر سازمان‌یافته است. مرتکبان جرائم غیر سازمان‌یافته اغلب کوتاه‌بین، تکانشی و جستجوکننده خطر معرفی شده‌اند، در حالی که این ویژگی‌ها در مورد مرتکبان جرائم سازمان‌یافته، صدق نمی‌کند. از همین رو قانونگذار با توجه به آثار بالقوه خطرناکی که ممکن است از تشکیل یک گروه سازمان‌یافته برای ارتکاب جرم ناشی شود، سردسته گروه را مستوجب شدیدترین مجازات می‌داند. لازم به ذکر است که از لحاظ عنصر روانی نیز می‌توان خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار داد، بدین معنا که ممکن است آلاینده محیط زیست بدون اینکه به صورت سازمان‌یافته به ارتکاب جرم مبادرت ورزد، از آن جهت که عمداً مرتکب جرم

زیست‌محیطی می‌شود، خطرناک‌تر از مجرمی است که از روی غیر عمد این کار را انجام داده است.

**۲. حمایت جهانی‌شده از محیط زیست (از حقوق بین‌الملل محیط زیست تا شکل‌گیری سیاست جنایی سبز سازمان ملل متحد):** در حقوق بین‌الملل کنونی می‌توان از تعهداتی سخن گفت که تمام بازیگران بین‌المللی در رعایت آن هم سود به نظر می‌آیند و همگان برای این تعهدات ارزش و اعتبار مشترک و جهانی قائل‌اند (۱۱). در این زمینه حقوقدان برجسته، سیما، بر این باور است که این‌گونه منافع مشترک از شناسایی برخی مشکلات وابسته به یکدیگر ریشه می‌گیرند که نمی‌توان حل آن‌ها را تنها به اراده آزاد دولت‌های حاکم واگذار کرد. این منافع شامل صلح و امنیت بین‌المللی، همکاری میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، حفاظت از محیط زیست، میراث مشترک بشریت و حمایت از حقوق بشر می‌شوند (۱۲). جدا از محدودیت‌های حاکم بر حقوق بین‌الملل ناشی از حاکمیت و رضایت دولت‌ها در قبول تعهدات بین‌المللی، در زمینه‌هایی از حقوق بین‌الملل که با منافع جمعی بشر سروکار دارند، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. این پیشرفت‌ها ناظر بر تعیین تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها، تعهد به همکاری، تصمیم‌گیری مشترک و ایجاد ساختارها و نهادهای جدید به منظور تحقق هدف‌ها و تعهدات مورد توافق‌اند (۱۳).

جلوه‌های این نگاه به منافع مشترک، در نظریه مخالف قاضی ترینداد (Trinidad) در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده جزایر مارشال نمود یافته است. در حوزه تعهد به خلع سلاح هسته‌ای که با صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ حیات کلیه انسان‌ها پیوند خورده، قاضی ترینداد معتقد است: «پرونده حاضر، در راستای رویکردی انسان‌محور به جای رویکردی حاکمیت‌محور و بین‌دولتی، نیازمند تمرکز بر نوع بشر است. سازوکار بین‌دولتی احقاق حق در قضایای ترافیکی دیوان نباید صرفاً به اتخاذ رویکردی بین‌دولتی در استدلال دیوان منجر گردد، زیرا خلع سلاح هسته‌ای موضوعی دارای جنبه نگرانی بشریت در کل است.» از این رو آنچه ضروری

است، توجه به منافع مشترک جامعه بین‌المللی در کل است که از روابط متقابل میان دولت‌ها فراتر رفته و مستلزم اتخاذ دیدگاهی مترقیانه به الزامات زیست‌محیطی جمعی بین‌المللی است.

حفاظت جهانی از محیط زیست نیز همانند حمایت از حقوق بشر و ملاحظات اولیه انسانی، یکی از منافع متعلق به جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود، چراکه حراست از زندگی تمام انبای بشر را در پی دارد. امروزه مسائل مشترک زیست‌محیطی در سراسر کره زمین نمود روزافزون یافته‌اند. افزایش دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، خطر غرق شدن دولت‌های جزیره‌ای کوچک، روبه‌نابودی بودن بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن بر اثر فعالیت‌های صنعتی و انسانی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها و ریزش باران‌های اسیدی، مشکلاتی‌اند که دولت‌ها با هدف غلبه بر آن‌ها ناگزیر از مشارکت و همفکری با یکدیگر خواهند بود (۱۴).

معاهدات زیست‌محیطی نیز همچون معاهدات حقوق بشری، در بردارنده تعهدات متقابل و مبتنی بر مزایای دوجانبه نیستند، زیرا هیچ دولتی به تنهایی در قبال این تعهدات مسئول نیست و منافع تمامی دولت‌ها در این خصوص مدنظر خواهد بود (۱۵). بنابراین ثمربخشی حفاظت جهانی از محیط زیست تنها با استناد به اصل تقابل که بر مفهوم برابری مطلق دولت‌ها استوار است، قابل تحقق نخواهد بود.

اصل اول اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در خصوص محیط زیست و توسعه، بشریت را مرکز نگرانی‌های مربوط به توسعه پایدار می‌داند. این اصل مؤید آن است که «در دوره جدید حقوق بین‌الملل، تنها منافع دولت‌ها مدنظر نیست، بلکه فراتر از آن، منافع بشر و رفاه کره زمین در مرکز توجه قرار دارد.» این عبارات دو نگرانی مطرح در عرصه حقوق محیط زیست جهانی را نشان می‌دهند، منافع انسان و منافع بشر در کل.

سیاست جنایی، یعنی سیاست‌های مربوط به کنترل جرم و جنبه پیشگیری کنشی یا واکنشی دارد. در این علم، جرم و مسائل پیرامون آن از دریچه فلسفه و سیاست بررسی می‌شود.

در واقع در حوزه سیاست جنایی، تدابیر دولت و جامعه مدنی برای مهار پدیده مجرمانه، یعنی جرم و انحراف بررسی می‌شود.

جرم‌انگاری بر حسب اینکه هدف حمایت از جامعه در برابر اشکال جدید بزه‌کاری اغلب مرتبط با فناوری‌های نوین یا شناسایی حقوق جدید باشد، ممکن است در چارچوب دو منطق، یعنی سیاست جنایی مدرن و جرم‌انگاری حمایتی قرار گیرد (۱۶). جرم‌انگاری‌های حمایتی، جرم‌انگاری‌هایی هستند که در جهت تضمین حقوق بشری به منصف ظهور رسیده و با شناسایی حقوق جدیدی همچون حق بر محیط زیست سالم مطرح شده‌اند. این حق به دنبال اقتضائات زندگی مدرن در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد و یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق همبستگی است (۱۷). در سیاست جنایی آنچه که بررسی می‌شود، صرفاً واکنش‌های کیفری نیستند. بلکه سیاست‌های کنشی نیز در ذیل برنامه‌ها قرار می‌گیرد؛ آنچه بیشتر مدنظر سازمان ملل متحد به عنوان یک کنشگر بین‌المللی در برابر جرائم زیست‌محیطی بوده است. محیط زیست در پرتو کارکردهای اجتماعی آن، بستر لازم و ضروری برای حیات جمعی است، به گونه‌ای که وجود و بقای بشر بسته به وجود و بقای آن است. در واقع بدون داشتن محیط زیست سالم، حقوق بنیادین انسان اعم از حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق حیات، بهداشت، آموزش و ... امکان استیفا نخواهد داشت (۱۸).

**۳. ترکیبی‌شدن سیاست جنایی در قبال بزه‌های زیست محیطی:** امروزه در سطح داخلی و بین‌المللی شاهد ترکیبی‌شدن سیاست جنایی در قبال جرائم زیست‌محیطی هستیم. مراد از سیاست جنایی کنشی تدابیر پیشگیرانه‌ای است که نقش مهمی در قلمرو سیاستگذاری مطلوب داشته و سیاست جنایی واکنشی یا پسینی نیز در جهت مدیریت و تنظیم پاسخ‌های واکنشی حوزه سیاست جنایی نقش اصلی را ایفا می‌نماید.

**۴. سیاستگذاری جنایی کنشی:** اصل پیشگیری، اصلی بنیادین و زیربنایی در حقوق بین‌الملل محیط زیست و سیاستگذاری جنایی کنشی است. این اصل با اصل احتیاط



ارتباط تنگاتنگی دارد. اصل پیشگیری، به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، اکثراً در حوزه آلودگی فرامرزی، مورد شناسایی واقع شده است (۱۹).

اصل پیشگیری از دو تعهد جداگانه تشکیل شده است: یکی تعهد به پیشگیری قبل از حدوث آلودگی و بروز خسارت؛ دیگری وظیفه از بین بردن، کاهش و جبران خسارت پس از وقوع آن است. برای مثال ماده ۷ کنوانسیون حقوق بهره‌برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، تحت عنوان «تعهد عدم ایراد خسارات عمده»، به هر دوی تعهد به پیشگیری (در بند ۱) و تعهد به جبران خسارت (در بند ۲) اشاره می‌کند (Convention on the Law of Non-navigational Uses of International Watercourses, 1997).

اساساً تأکید بیشتری بر پیشگیری خسارات قابل پیش‌بینی، تا جبران آن شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیشگیری خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، قید کرده است: «تأکید بر تعهد به پیشگیری به جای تعهد به جبران خسارت دارای جنبه‌های مهمی است. در سیاست‌گذاری‌ها، پیشگیری باید در اولویت قرار گیرد، چراکه سازوکارهای جبران خسارات همیشه نمی‌تواند وضعیت به وجودآمده را به شرایط سابق پیش از وقوع آن برگرداند، لذا همیشه و در همه حال، پیشگیری بهتر از درمان است...»

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز به تعهد پیشگیری اشاره داشته است. بند ۳ ماده (۱۴) این طرح مقرر می‌دارد: «نقض یک تعهد بین‌المللی، که دولت‌ها را ملزم می‌سازد از بروز واقعه پیشگیری کنند، زمانی اتفاق می‌افتد که واقعه مزبور رخ دهد و بر تمامی دورانی که در طول آن اتفاق استمرار دارد، اطلاق می‌گردد.»

در قلمرو پاسخ‌گذاری‌های سیاست جنایی کنشی سبز، پیشگیری از ارتکاب این دسته از جرائم که آثار مخرب و زیانباری بر محیط زیست انسانی دارند، به عنوان یک قاعده طلایی مطرح است، چراکه در بسیاری از جرائم زیست محیطی، اعاده وضع به سابق کاری بس دشوار است و ضمانت‌های کیفری همچون جزای نقدی یا حبس به صورت

مستقیم به مبارزه و مقابله با این دسته از جرائم نمی‌پردازد. زمانی می‌توان به حمایت همه‌جانبه از محیط زیست پرداخت که اولین و بنیادی‌ترین راه را برگزید و آن پیشگیری است. در این میان، سیاست‌گذاری‌های سازمان ملل متحد رهنمودهایی را پیش روی ما می‌گذارد که اگر در عمل بتوان این اصول مطروحه را عملی نمود، گامی مثبت و سازنده در پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی خواهیم برداشت. این اصول عبارت‌اند از: اصل راهبری دولت، اصل توجه به پیشگیری از جرم در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی، اصل مشارکت جامعه مدنی، پایداری و قابلیت محاسبه، دانش محوری سبز، رعایت موازین حقوق بشری، همبستگی و تمایز. جرائم زیست‌محیطی با سایر جرائم دارای اشتراکاتی هستند که منجر به رعایت اصول کلی حاکم بر پیشگیری در برنامه‌های خاص پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی شده است، اما باید در رعایت اصول فوق به ویژگی‌های خاص جرائم زیست‌محیطی، مرتکبین آن و بزه دیدگان جرائم زیست‌محیطی نیز توجه شود، چراکه این اصول به نحوی تعیین شده‌اند که بتوان آن‌ها را در رابطه با پیشگیری از همه جرائم به کار گرفت (۲۰).

**۵. سیاست جنایی واکنشی:** سیاست جنایی واکنشی یا پسینی در جهت مدیریت و تنظیم پاسخ‌های واکنشی حوزه سیاست جنایی نقش اصلی را ایفا می‌نماید که در این قسمت به بررسی این مورد پرداخته می‌شود.

**۵-۱. راهبرد بزه‌انگاری افتراقی سبز:** یکی از مهم‌ترین بایسته‌های حقوق محیط زیست، پایه‌ریزی حقوق و آیین دادرسی خاصی است که ضامن مدیریت جمعی بر میراث محیط زیست باشد. از این رو بایستی بر مفهوم جرائم سبز توجه خاصی داشت، چراکه جرائم سبز علیه محیط زیست ارتکاب می‌یابند و خود به دو دسته جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند. علت تفکیک این دو مفهوم در نحوه پاسخ‌دهی و رسیدگی به این جرائم است و اصولاً از لحاظ قصد مجرمانه نیز تفاوت‌های مهمی دارند. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست این است که حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست صورت

بگیرد و یکی از جلوه‌های این حمایت تفکیک مناسب جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی است.

اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به عنوان یک پدیده جهانی از یکسو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط زیست از سوی دیگر، قانونگذار فرانسوی را بر آن داشته که در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ و اجرایی ۱۹۹۴، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم به نام تروریسم زیست‌محیطی مبادرت ورزد که این یکی از ابتکارات قانون مجازات فرانسه است. در واقع قانونگذار فرانسه با وضع ماده ۲-۴۲۱ بر حق بر محیط زیست سالم اشاره صریح داشته و برای نخستین‌بار تفکیک مناسبی را از جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی ارائه داده است. در حقوق ایران جرم مستقلی تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی وجود ندارد، اما در قوانین متعدد جلوه‌هایی از مفهوم تروریسم زیست‌محیطی یافت می‌شود که یکی از این موارد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که با آوردن قید «پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک» مرتکب را تحت شرایطی مفسد فی الارض دانسته است، البته ناگفته نماند که در شناسایی جرم زیست‌محیطی به عنوان یک جرم بین‌المللی و افتراقی مباحثی میان حقوقدانان شکل گرفته (۲۱) که هنوز هم این مهم اتفاق نیفتاده است.

**۵-۲. لزوم اتخاذ پاسخ‌های ترمیمی:** امروزه عدالت ترمیمی و کاربرد آن در جرائم زیست‌محیطی دارای اهمیت فراوانی است، چراکه ترمیم محیط زیست همواره به عنوان دغدغه اصلی حقوقدانان محیط زیست بوده و در سطح جهانی نیز در حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح شده است، البته لازم به ذکر است که بر اساس تجربه‌های تطبیقی سیاست‌های ترمیمی به طور ملموس در بسیاری از کشورهای جهان اعمال می‌شود. امروزه، عدالت ترمیمی نه تنها میانجی‌گری، بلکه سازوکارهای دیگری را نیز شامل می‌شود، از جمله جبران خسارت، ترمیم و... . بند ۱۳ رئوس برنامه‌های ریو که ایران نیز در آن مشارکت داشت، بر گسترش قوانین کشورها برای جبران خسارات ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست تأکید

دارد. تاکنون ایران به چندین کنوانسیون بین‌المللی در خصوص محیط زیست پیوسته که از جمله می‌توان به کنوانسیون بازل ۱۹۹۲، کنوانسیون منطقه‌ای کویت ۱۹۷۸، کنوانسیون لندن ۱۹۷۲ اشاره نمود.

در پرونده‌هایی که به آسیب اساسی به محیط زیست مربوط هستند؛ جبران خسارت بایستی تا حد امکان دربرگیرنده بازسازی محیط زیست، نوسازی تأسیسات منطقه‌ای و پرداخت هزینه‌ها باشد (۱۰).

از یکسو از آنجایی که در جرائم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است، ممکن است افراد زیادی را بزه‌دیده قرار دهد، بدون اینکه بیشتر بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود مطلع شوند؛ از سوی دیگر اکثر جرائم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر موجب مطرح‌شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد و مهم‌تر اینکه بسیاری از بزه‌کاران زیست‌محیطی، دارای ماهیتی دولتی هستند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان گردید، آشکار می‌شود که امروزه نه تنها می‌توان از سیاست جنایی جامعه بین‌المللی، سیاست جنایی سازمان ملل متحد در معنای عام و گسترده آن سخن به میان آورد، بلکه فراتر از آن می‌توان وجود سیاست‌های جنایی افتراقی یا اختصاصی را نیز تأیید کرد که در رابطه با جرائمی چون مواد مخدر، فساد مالی، جنایات سازمان‌یافته فراملی، جنایات بین‌المللی، جنایات زیست‌محیطی، جنایات تروریستی، بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و... شکل گرفته است. در هیچ متن یا سندی، اهداف سیاست جنایی زیست‌محیطی سازمان ملل متحد بیان نشده است و اصولاً در متن‌های کیفری به این اهداف اشاره نمی‌شود. با این حال، این اهداف را می‌توان از بررسی اسناد راهبردی سبز (زیست‌محیطی) اعم از الزام‌آور یا غیر الزام‌آور به دست آورد. به این ترتیب، با بررسی اسناد راهبردی زیست‌محیطی، یعنی اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲ م)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲ م)، اعلامیه ریو (۱۹۹۲ م)



- آموزش جهانی حقوق محیط زیست و ارتقای جایگاه اخلاق زیست‌محیطی (اصل آموزش).

- بهره‌مندی خردمندان و منصفانه از منابع طبیعی جهان (اصل بهره‌برداری خردمندان).

- اصل رعایت حقوق تمامی نسل‌ها (اصل عدالت زیست‌محیطی درون‌نسلی و بین‌نسلی).

- تأمین امنیت زیست‌محیطی تمامی ساکنان کره زمین (اصل امنیت زیست‌محیطی).

- ارتقای جایگاه توسعه پایدار و سبز کردن اقتصاد جهانی (اصل توسعه پایدار و اقتصاد سبز).

- جایگزین‌سازی تدریجی انرژی‌های سنتی با انرژی‌های نو و پاک (اصل انرژی پاک).

- حفاظت از تنوع زیستی گیاهی، جانوری و منابع ژنتیکی جهان (اصل تنوع زیستی).

- پیشگیری از بروز یا استمرار آسیب یا بزه‌کاری زیست‌محیطی در سراسر جهان (اصل پیشگیری).

- تقویت و گسترش کمی و کیفی همکاری‌های زیست‌محیطی (فنی، علمی، حقوقی، قضایی و...) بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (اصل همکاری).

- مشارکت دادن تمامی مردم جهان (شهروندان جهان) در حفاظت از محیط زیست (اصل مشارکت همگانی).

- مدیریت جهانی عادلانه و کارآمد پسماندها به ویژه پسماندهای خطرناک (اصل مدیریت پسماندها).

- جبران سریع، فوری و کامل آلودگی‌ها و تخریب‌های زیست‌محیطی (اصل جبران خسارت).

- پاسخگونی اشخاص و نهادهایی که سهمی در آلودگی و تخریب محیط زیست دارند (اصل پاسخگویی).

- تقویت و هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات زیست‌محیطی در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی با هدف پیشگیری و مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی (اصل قانونگذاری سبز).

- جرم‌انگاری و ترغیب یا الزام به جرم‌انگاری رفتارهای آلاینده یا تخریب‌کننده خطرناک (اصل جرم‌انگاری سبز).

راهبردهای افتراقی در سیاست جنایی زیست‌محیطی ایران به وضوح قابل مشاهده است. سیاست‌های پیشگیرانه در قبال

م،)، بیانیه ژوهانسبورگ (۲۰۰۲ م)، بیانیه دوربان (۲۰۱۲ م)، پیش‌نویس میثاق حقوق همبستگی (۱۹۸۲ م)، پاره‌ای از قطعه‌نامه‌های زیست‌محیطی مجمع عمومی، قطعه‌نامه‌های کیفری مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی در زمینه محیط زیست و... می‌توان موارد زیر را به عنوان اهداف سیاست جنایی زیست‌محیطی سازمان ملل متحد اعلام نمود:

- حفاظت از محیط زیست جهانی.

- پاسداری از صلح سبز.

- تضمین حق بر محیط زیست سالم و پاک.

- تأمین امنیت زیست‌محیطی شهروندان جهان.

- اجرای عدالت زیست‌محیطی.

- تقویت توسعه پایدار (اقتصاد سبز).

در کنار اهداف سیاست جنایی سازمان ملل متحد باید از اصول آن نیز سخن به میان آورد، چراکه این دو تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. از درون اهدافی که برای سیاست جنایی زیست‌محیطی سازمان ملل متحد یاد شد، اصول چندی شکل می‌گیرد که برای هدایت سیاست جنایی در مسیر درست آن ضروری است. در واقع، سیاست جنایی همواره به اصولی تکیه دارد که از طریق پای‌بندی به این اصول سیاست‌ها و راهبردهای فرعی هر نظام سیاست جنایی شکل می‌گیرد. در حوزه سیاست جنایی سازمان ملل متحد نیز همین نکته صادق است و تصور سیاست جنایی این نهاد بدون شناسایی اصول حاکم بر آن امری دور از واقع بوده و حاکی از آن خواهد بود که هنوز نمی‌توان از سیاست جنایی زیست‌محیطی در این سازمان سخن به میان آورد.

با توجه به اهدافی که بیان شد و در راستای رسیدن به اهداف یادشده، سیاست جنایی سازمان ملل متحد مبتنی بر اصول زیر است:

- حفاظت و حمایت جهانی و همگانی از محیط زیست جهانی (اصل حفاظت).

- حفاظت و حمایت جهانی از حق تمامی نسل‌های بشر بر بهره‌مندی از محیط زیست سالم و پاک (اصل حق بر محیط زیست سالم و پاک).

جرائم زیست‌محیطی را می‌توان در قالب سیاست‌های پیشگیرانه فردمدار و موقعیت‌مدار مشاهده نمود. در خصوص راهبرد کیفی ماهوی می‌توان به راهبرد بزه‌انگاری افتراقی سبز اشاره نمود. در حوزه حقوق کیفی شکلی نیز در خصوص دادرسی افتراقی زیست‌محیطی راهبردهایی قابل شناسایی و معرفی است، البته راهبردهای ترمیمی سبز در سیاست جنایی زیست‌محیطی نیز قابل ذکر است. باری، قوانین نظام حقوقی ایران در حیطه محیط زیست با چالش‌های فراوانی رو به رو است که نیازمند تغییر و بازنگری است. این بازنگری با شناسایی و بومی‌سازی راهبردهای ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود.

### مشارکت نویسندگان

امین حاجی‌وند: نگارش مقاله.

سیدحسین حسینی و عبدالرضا جوان جعفری: پیشنهاد موضوع، ارائه پلان و نظارت بر تدوین مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## References

1. Hajivand A, Mirkamali AR, Safari F, Sarvai Sarmidani O. Government criminal responsibility for environmental crimes in Iran: necessities and challenges. *Environmental Sciences Quarterly*. 2018; 16(2): 65-82. [Persian]
2. Gorjifard HR. *Green Criminology*. Tehran: Mizan Publications; 2012. p.56. [Persian]
3. Brisman A, South N. Green criminology and environmental crimes and harms. *Sociology Compass*. 2019; 13(1): e12650.
4. White R. Ecocentrism and criminal justice. *Theoretical Criminology*. 2018; 22(3): 342-362.
5. Lynch MJ. *The greening of criminology: A perspective for the 1990s*. Edited by South N, Beirne P. Hampshire: Aldershot; 1990.
6. Beck U. *Risk society: Towards a new modernity*. Thousand Oaks, California: SAGE Publications; 1992.
7. Lazarge CH. *An Introduction to Criminal Policy*. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 4th ed. Tehran: Mizan Publications; 2012. p.54.
8. White R. Ecocentrism and criminal justice. *Theoretical Criminology*. 2018; 22(3): 342-362.
9. Keshavarz A. *Green Offender*. Tehran: Mizan Publications; 2019. [Persian]
10. Hajivand A. *Green criminal procedure in Iran*. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University; 2017. [Persian]
11. Weiss J. *Business Ethics*. 6th ed. Oakland: Berrett-Koehler Publishers; 2014.
12. Simma JB. *From Bilateralism to Community Interest (Recueil des Cours de l'Académie de Droit International de la Haye)*. Edited by Fastenrath U, Geiger R, Khan DE, Paulus A, Von Schorlemer S, Vedder C. Oxford: Oxford University Press; 1994. p.217, 250.
13. Arabasadi S, Ranjbarian AH. Common Concerns of Humankind: From the Emergence to Evolution in International Environmental Law. *Public Law Journal*. 2018; 48(2): 399-418. [Persian]
14. Ranjbarian AH, Arghandepour N. The legal Challenges of Disappearing States from an International Law Perspective. *International Law Review*. 2012; 29(46): 83-121. [Persian]
15. Boyle AE. International law and the protection of the global atmosphere: Concepts, categories and principles. *International Law and Global Climate Change*. Santiago: Seminar on Environmental Law and Policy in Latin America; 1994. p.7-19.
16. Nagtzaam G. Righting the ship? Australia, New Zealand and Japan at the ICJ and the barbed issue of scientific whaling. *Australian Journal of Environmental Law*. 2014; 1(1): 71-92.
17. M Delmas M. *The Great Systems of Criminal Politics*. Translated by Najafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publications; 2014. p.139, 389. [Persian]
18. Prieur M. *La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones*. Limoges: Presses Universitaires de Limoges; 2003.
19. Handl G. *Transboundary Impacts*. Edited by Bodansky D, Brunnée J, Hey E. *Oxford Handbook of International Environmental Law*. Oxford: Oxford University Press; 2007. p.538-540.
20. Mirkamali A, Hajivand A. Analysis of the prevention of environmental crimes in the light of the United Nations guidelines and the ethical principle of harm prevention. *Journal of Bio-Scientific Research Ethics*. 2018; 7(26): 61-75. [Persian]
21. Javan Jafari A, Hajivand A. An Analysis of The Role of Media in The Extension of The Behaviors of The Violating of Rights on Safe Environment From The Critically Integration Oriented Criminology Point of View (Study of The Neoliberal Society Model). *Human Rights Journal*. 2021; 16(1): 195-216. [Persian]